



The Role of the International Energy Charter: Coordinating Quality Development or Growth in Implementation?

Ahmad Momenirad¹  Seved Reza Jalili² 

1. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: momenirad@ut.ac.ir

2. M.A in International Law Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: mir.reza.jalili@ut.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Manuscript received:
5 April 2022
final revision received:
11 August 2022
accepted:
26 August 2022
published online:
15 March 2023

Keywords:

Convergence, Energy Charter 1994, 1991 European Energy Charter, Energy producing countries, Energy recipient countries, Executive measures, qualitative development

Abstract

Some researchers in the 80s lamented lack of international laws in the field of energy. It was after this period that the 1991 European Energy Charter and the 1994 Energy Charter Treaty (hereafter the Treaty) were drafted with the support of many countries (not most countries). Such a strategy was needed to make the world community around energy more united. Therefore, the needs and dealing with the existing disturbances led to the preparation of new documents and new negotiations in the field of energy. For example, in the decades leading to the 80s and 90s, as a result of organizational decisions such as OPEC oil, it played an influential role in determining the amount of oil supplied to the market and consequently controlling the price of oil, which benefited the few countries that produce it, leading to it become a concern for the countries, especially the large and industrialized countries of the world. Also, the emergence of tensions regarding the contracts concluded with the world's oil companies in this particular field and perhaps the most important part of energy, were all triggers for the dogmatic determination of the consuming countries to act in order to guarantee the speculative flow of energy in the world. In this regard, the 1994 World Energy Charter was concluded and signed. But the big countries that produce fossil energies and others, due to the estimation of the big risks that existed against them, were not very lucky. As it happened in the case of Yukas against Russia. In order to encourage such countries to join the treaty, the 2015 Energy Charter was presented.

This research article has used the library method in its analysis and arguments. It seems that sustainable development based on three fundamental principles, i.e., 1. easy and 2. permanent access to energy and 3. sustainable security in line with uninterrupted production to achieve large incomes, has been the ultimate goal of this policy. Establishing security from fossil fuel interests to transmission lines is one of the most important issues in the field of sustainable development of the energy society. This point was so important that even the countries that dominate the seas have opposed the expansion of the size of the countries' territorial sea to more than 3 nautical miles in the conferences related to the 1958 and 1982 Conventions on the Law of the Sea. From this point of view, it seems that the concept of sustainable development in the field of energy is a concept that forms the intellectual framework around it.

The most important question that is raised is how to bring cohesion to the producing and consuming countries through this charter. How is this trend around an axis in the direction of profit regulation and balance between energy producers and consumers possible?

Finally, it can be concluded that the energy producing countries that did not want to be a member of the 1994 treaty can get the opportunity under the cooperation framework based on the 2015 Energy Charter to do so in a balanced environment without having any obligations to the Energy Charter Treaty and be able to seek to create or find common areas for beneficial cooperation with the treaty members.

The International Energy Charter is just a statement that can facilitate the dialogue between energy-consuming and energy-first countries, which are often not part of the world powers, and increase the bargaining power in determining global regulations for the management of energy flows.

In fact, the International Energy Charter, in the form of a non-binding but very important statement, has successfully played its role as a stimulus or a new and comprehensive idea towards changing the positions of the target countries, i.e., energy producers, regarding the creation of favorable conditions. To bring together the countries that are members of the treaty and other countries that are not members and cautious to gather around the 1994 treaty, play energy.

Cite this article: Momenirad, Ahmad; Seyedreza Jalili. (2023, Autumn& Winter) "The Role of the International Energy Charter: Coordinating Quality Development or Growth in Implementation? ", *Energy Law Studies*, 8 (2): 457 - 478. DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.335755.472>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.335755.472>



نقش منشور بین‌المللی انرژی: هماهنگی میان توسعه کیفی یا رشد فزاینده در اعمال اقدامات اجرایی؟

احمد مومنی‌راد^۱، سیدرضا جلیلی^۲

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: [Email: momenirad@ut.ac.ir](mailto:momenirad@ut.ac.ir)

۲. دانش‌آموخته، کارشناسی‌ارشد، حقوق بین‌الملل، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: [Email: mir.reza.jalili@ut.ac.ir](mailto:mir.reza.jalili@ut.ac.ir)

چکیده	اطلاعات مقاله
در سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵م) بیانیه‌ای توسط مجمعی از دولت‌ها با پیشگامی کشورهای اروپایی که غالباً واردکننده انرژی بودند، صادر شد. کشورهای غنی از انرژی در اثر تکالیف سنگین معاهده ۱۹۹۴ و بروز تحولات نوین جهانی درباره انرژی تمایلی برای الحاق بدان نداشتند. کشورهای واردکننده انرژی با پیشگامی دولت‌های اروپایی در پی ایجاد وفاق میان دو گروه از کشورها، یعنی تولیدکنندگان و واردکنندگان انرژی برآمدند. راهکار، صدور بیانیه ۲۰۱۵ با هدف ایجاد همگرایی حول منشور انرژی ۱۹۹۴ بود، بدون این‌که تکلیفی بر دوش دولت‌ها گذارده شود. بررسی تأثیر منشور بر ترغیب دولت‌های گروه اول برای همکاری در خصوص معاهده ۱۹۹۴، موضوع این پژوهش است. منشور بین‌المللی انرژی بدون این‌که بخواهد کشورهای هدف (تولیدکنندگان انرژی) را ملزم به برعهده گرفتن تعهداتی در قبال جامعه جهانی انرژی کند، توانست برخی از کشورهای صاحب انرژی را حول محور نظام حقوقی جهانی انرژی برای همکاری، گرد هم آورد. برآیند چنین روندی، نتیجه‌بخشی فزاینده و کمی در تأثیرگذاری منشور ۲۰۱۵ بر افزایش همگرایی برای اعتلای معاهده ۱۹۹۴ بوده است.	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۱۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۲۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۴</p> <p>تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴</p> <p>کلیدواژه‌ها: اقدامات اجرایی، توسعه کیفی، کشورهای انرژی فرست، کشورهای دریافت‌کننده انرژی، منشور انرژی ۱۹۹۱ اروپا، منشور انرژی ۱۹۹۴، همگرایی</p>

استناد: مومنی‌راد، احمد؛ سیدرضا جلیلی. (پاییز و زمستان ۱۴۰۱) « نقش منشور بین‌المللی انرژی: هماهنگی میان توسعه کیفی یا رشد فزاینده در اعمال اقدامات اجرایی؟»، *مطالعات حقوق انرژی*، ۲۸ (۲): ۴۵۷-۴۷۸. DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.335755.472>



نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.335755.472>

مقدمه

برخی از پژوهشگران دهه ۸۰ میلادی از نبود قوانین بین‌المللی در حوزه انرژی ابراز تأسف می‌کردند (FALORINI, 2009: 2). پس‌از این دوران بود که منشور انرژی ۱۹۹۱ اروپا^۱ و پیمان منشور انرژی ۱۹۹۴ (از این پس معاهده)^۲ با حمایت بسیاری از کشورها (صرافی، ۱۳۸۰: ۱-۴) (نه اغلب کشورها) بعداً تدوین شدند. دغدغه این پژوهشگران این‌گونه مطرح می‌شد که ما در دورانی که قوانین راجع به انرژی وجود ندارد، با نمای پیچیده و چندپاره موازی، هم‌پوشاننده یکدیگر و نهادهای تودرتویی که در پاسخگویی به چالش‌های بین‌المللی انرژی شکست خورده‌اند، روبه‌رو هستیم (Graaf, 2013: 135). این چالش‌ها عبارت‌اند از: وجود مشکلات چندگانه امنیت انرژی در به‌دست آوردن انرژی و پیامدهای خارجی منفی زیست‌محیطی و آب‌وهوایی که به‌وسیله استخراج، تولید، انتقال و مصرف انرژی ایجاد شده (Falkner, 192-193: 2014). برای مقابله با چنین چالش‌هایی نهادهای بین‌المللی موجود کاملاً ناکارآمد بودند؛ به‌ویژه زمانی که با رویه‌های بین‌المللی حاکم در حوزه‌های دیگر مقایسه می‌شد^۳ (Pami, 2015: 92-93) و این یعنی پراکندگی و اغتشاش در روابط انرژی در جامعه بین‌المللی. این تصویری بود از حوزه انرژی در جهان در دوران پس از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۳۷۳ (۱۹۹۴ م). در سال ۱۳۷۳ معاهده منشور انرژی با هدف حمایت از سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی (موسوی، ۱۳۹۸: ۴۷۷) و از قبل چنین سیاست‌هایی سامان‌بخشی به حوزه انرژی در سطح بین‌الملل، منعقد شد. ولی به دلایلی با استقبال کشورهای انرژی‌فرست روبه‌رو نشد. کشورهای دریافت‌کننده انرژی با ابتکار عمل دولت‌های اروپایی در پی ایجاد ساختاری در قالب عضویت ناظر از طریق صدور بیانیه منشور بین‌المللی انرژی برآمدند تا بتوانند از این طریق در جهت تقویت منشور انرژی با ایجاد همگرایی میان کشورهای گروه اول و کشورهای گروه دوم با محوریت منشور انرژی، گام بردارند. منشور انرژی حداکثر بیانیه‌ای تشویقی، توضیحی و توصیفی از معاهده اصلی ۱۹۹۴ است. در واقع تدوین و ارائه منشور ۲۰۱۵ سیاست‌گریز برای تسهیل در جهت افزایش گردن نهادن

1. European Energy Charter 1991

2. Energy Charter Treaty 1994

در سال ۱۹۹۴ و در ادامه بیانیه منشور انرژی اروپایی در ۱۹۹۱، معاهده منشور انرژی تنظیم و مورد توافق ایجادکنندگان آن در لیسبون قرار گرفت. این معاهده مؤسس کنفرانس انرژی شد. مقر این نهاد بروکسل بلژیک است. وبسایت سازمان:

<http://www.energycharter.org/>

و برای مطالعه ترجمه فارسی معاهده منشور انرژی، ر.ک: گروه پژوهشی اقتصاد سیاسی و حقوقی انرژی، متن معاهده منشور انرژی و ضمایم آن، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۸۴، قابل دسترسی در کتابخانه اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.

۳. گفتنی است که سازمان‌ها و معاهدات دیگری نیز در حوزه انرژی به‌صورت حوزه‌ای و خاص در حال حاضر ایجاد شده‌اند؛ از جمله این سازمان‌ها آژانس بین‌المللی انرژی IEA و اوپک را می‌توان نام برد. گفتنی است که شرکت نفت ایران-انگلیس نیز جزء شرکت‌های بزرگی بود که نقش مهمی را در زمینه انرژی ایفا می‌کرد که در سال ۱۳۳۲ ش/ ۱۹۵۴ م منحل شد.

بر معاهده بوده است. معاهده ۱۹۹۴ محور اصلی مقرراتی انرژی جهانی زمینه اصلی در پژوهش پیش‌روست.

حال با در نظر داشتن نکات مذکور و با عنایت به ضعف حاکم بر فضای انرژی در سطح بین‌الملل، این موضوع قابل‌بحث است که آیا دولت‌هایی که منشور بین‌المللی جدید انرژی^۱ (از این پس منشور) در ماه می ۲۰۱۵ را مورد توافق قرار دادند، می‌توانستند چالش‌های یادشده را برای پیوستن باقی دولت‌ها به معاهده، بهبود بخشند یا خیر؟ (Charter t C, 2015)؛ چالش‌هایی که حتی با ظهور منشور انرژی نیز مرتفع نشده و کشورها با بی‌اعتنایی از کنار آن گذشتند^۲. با استنتاج از منابع و تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود، پژوهش پیش‌رو باید به این پرسش پاسخ دهد که آیا منشور ۲۰۱۵ توانسته در جهت حصول اهداف معاهده ۱۹۹۴ به‌عنوان اصل اساسی موفقیتی داشته باشد؟

۱. منشور بین‌المللی انرژی (IEC) و معاهده منشور انرژی (ICT)

۱.۱. ماهیت اسناد دوگانه منشور و معاهده

معاهده منشور انرژی در ۱۹۹۴/م ۱۳۷۳ ش. موجد یک کنفرانس اجرایی در سطح وزیران خارجه بود که در شهر لاهه هلند تنظیم شد که نقطه عطفی در ایجاد فصل جدیدی از ارتباطات تجاری میان تولیدکنندگان نفت و گاز طبیعی با اروپا و آمریکا را ایجاد کرد. امضاکنندگان منشور، اعضای کنفرانس انرژی نیز هستند. در زمینه بررسی علل شکل‌گیری منشور می‌توان به یکی از موانع جدی نپیوستن دولت‌ها به منشور انرژی، یعنی شرط پاسداشت تعهدات در معاهده اشاره کرد (تقدیر، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۸؛ ماده ۱۰ معاهده انرژی). این شرط در

1. The new International Energy Charter available at: <https://www.energycharter.org/process/international-energy-charter-2015/overview/>

منشور بین‌المللی انرژی بیانیه سیاسی است که در سال ۲۰۱۵ از سوی اجلاس منشور انرژی برای افزایش همکاری‌های بین‌المللی و ترغیب سایر کشورها، به‌ویژه دولت‌های انرژی‌فرست برای الحاق به معاهده منشور انرژی، تنظیم و صادر شد. کشورها می‌توانند با پیوستن به منشور به‌عنوان کشوری که هیچ تعهدی نسبت به معاهده منشور انرژی ندارد، عضو ناظر باشند.

۲. در بررسی این‌که پس از مذاکرات طولانی که تا به امروز نیز ادامه دارد، چه زمانی و چگونه ممکن است ECT تغییر کند؟ پاسخ مطمئن نمی‌توان ارائه داد، ولی منشور بین‌المللی انرژی ۲۰۱۵ توانسته موفقیت چشمگیری را درباره ایجاد فضای مثبت برای همکاری بین کشورهای غنی از انرژی و دریافت‌کننده انرژی به‌دست آورد. منشور بین‌المللی انرژی ۲۰۱۵ با پیش‌بینی ایجاد تعهد سیاسی و نه تکالیف حقوقی همچون منشور ۱۹۹۴ انرژی، برای ایجاد جو سرمایه‌گذاری دوستانه میان کشورها، توانست اعضای جدیدی فراتر از جغرافیای سنتی آتلانتیکی، یعنی از آسیا، آمریکای لاتین، خاورمیانه و آفریقا را جذب نظام در جریان بین‌المللی انرژی کند (Bonafe, 2017: 5). این مسئله به‌خودی‌خود نکته بسیار مهمی است؛ زیرا در نگاه راهبردی به حقوق انرژی که گره‌خورده با تحولات عظیم بین‌المللی است، باید با رویکردهای سیاست بین‌المللی بدان نگرسته و برخورد شود؛ حتی در قانون‌گذاری در این حوزه.

مواقعی تعهدات دولت‌ها در برابر اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی را به تعهدات بین‌المللی مبدل می‌سازد.^۱

در نگرش ماهیتی به منشور و معاهده می‌توان به‌طور خاص هر دو را به‌عنوان معرفی‌کننده حقوق نرم، در چهارچوب تحول دیدگاهی در حوزه انرژی معرفی کرد. با این حال اگر برخی مواد معاهده را در مقابل منشور قرار دهیم، با حقوق و مقررات نوینی از سوی معاهده روبه‌رو می‌شویم که جز با قبول معاهده قابلیت اجرا نخواهد داشت. بجاست که این قول پروفیسور کسپس (کاسسه)^۲ را تکرار کنیم که: حقوقی که هنوز قابلیت اجرایی کامل نداشته و تا حدی نوآورانه‌اند، در شمار حقوق نرم قرار می‌گیرند (کاسسه، ۱۳۸۲: ۲۹۸). درواقع باید گفت در ابتدا معاهده منشور انرژی نرم‌های^۳ جدیدی را، البته به‌طور جامع در این حوزه ارائه می‌دهد؛ پس معاهده‌ای است جامع و البته با حقوق نرم^۴؛ اما این گفته نافی وجود و ادامه حیات برخی اعلامیه‌ها و بیانیه‌های سیاسی غیرالزام‌آور دیگری با صراحت، دقت پایین و محدود درباره فرضیه‌سازی و نظریه‌سازی قاعده‌مند و الزامات موضوعات مرتبط، خصوصاً و ثانیاً، با منشور نیست. باوجود این مشکلات براساس تمایل و رغبتی که بر بهبود بخشیدن به نقش دولت‌ها و سیاست‌ها در موضوعات انرژی بین‌المللی و حتی به‌عنوان قواعد حقوق نرم وجود دارد، این نکته درباره منشور مهم است که منشور به‌طور مفصل در مورد سیاستی که هزینه‌های دادوستد را کاهش داده و هم‌چنین پاره‌ای

۱. شکست مذاکرات کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه درباره قرارداد MAL در سال ۱۹۹۹ و ناتوانی در ارائه ابتکار عمل لازم توسط طرف‌های همکاری و سازمان تجارت جهانی و سایر کشورها برای خروج این مذاکرات از بن‌بست، یکی دیگر از زمینه‌های ایجاد و تقویت منشور انرژی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین موفقیت‌ها در زمینه قراردادهای عمده تجاری دهه ۱۹۹۰ و بعد از آن تاکنون تبدیل کرده است (توماس، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۶). مذاکرات برای موافقت‌نامه چندجانبه سرمایه‌گذاری (Multilateral Agreement on Investment) مذاکرات درباره یک موافقت‌نامه پیشنهادی چندجانبه سرمایه‌گذاری توسط دولت‌ها در نشست سالانه شورای OECD در سطح وزیران در ماه مه ۱۹۹۵ آغاز شد. هدف این بود که چهارچوب چندجانبه گسترده‌ای برای سرمایه‌گذاری بین‌المللی با استانداردهای بالا برای آزادسازی سرمایه‌گذاری فراهم شود؛ به‌طوری که با ایجاد رژیم‌ها، راهکارهای حمایت از سرمایه‌گذاری و رویه‌های مؤثر حل اختلاف، برای کشورهای غیر OECD نیز باز باشد. مذاکرات در آوریل ۱۹۹۸ متوقف شد. یک گروه مذاکره‌کننده، اولین جلسه خود را در ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۵ با حضور نمایندگان ۲۵ کشور عضو آن زمان OECD و کمیسیون اروپا برگزار کرد. در بیانیه‌ای، آن‌ها گفتند که MAI یک معاهده بین‌المللی مستقل خواهد بود که هم برای کشورهای OECD و هم کشورهای غیر OECD باز است و با پیشرفت مذاکرات باید با آن‌ها مشورت شود. با این حال، مذاکرات در آوریل ۱۹۹۸ متوقف شد و از سر گرفته نخواهد شد.

<https://www.oecd.org/investment/internationalinvestmentagreements/multilateralagreementoninvestm.ent.htm>

برای دریافت پیش‌نویس موافقت‌نامه MAL، ر.ک: <http://www1.oecd.org/daf/mai/pdf/ng/ng987r1e.pdf>

2. Antonio Cassese

3. Norms

4. Soft Law

از قواعد و دستورات لازم را ایجاد نموده و آثار و پیامدهای منفی خارجی درباره قسمت انرژی را کاهش خواهد داد، بحث می‌کند و این شاید مطلوب باشد و منتفع نشدن این مشکلات به‌طور گسترده برای عملکردهای نهادهای بین‌المللی هشدارآمیز خواهد بود (Aalto, 2014: 6-8).

معاهده ۱۹۹۴، نقطه اوج در حوزه انرژی جهانی است؛ چراکه پس از معاهده منشور انرژی اروپا که خاص کشورهای اروپایی بود، در سطح جهانی تدوین و اجرایی شد. این کنوانسیون به‌صورت عام و با سازوکار پیش‌بینی‌شده در معاهده، قابلیت بین‌المللی داشته و بسیاری از کشورها بدان پیوسته‌اند. بنابراین معاهده مزبور هم‌اکنون مهم‌ترین و جامع‌ترین سند همکاری الزام‌آور در حوزه انرژی است. حال در بررسی و توضیح رابطه میان معاهده و منشور، گفتنی است که منشور در واقع بیانیه الحاقی به معاهده است. منشور ۲۰۱۵ خود سند مستقلی است که در ضمن ایجاد سازوکار نوین همکاری، مرتبط با معاهده است. گرچه منشور اعلامیه یا توافق تفسیری رسمی از معاهده نیست، اما توافقی‌هایی که در جهت تفسیر معاهده و منظور آن انجام می‌شود، جزئی از نظم کلی معاهده است (فلسفی، ۱۳۸۳: ۴۵۷) اما در پاسخ به این پرسش که آیا ارتباط حقوقی میان این دو سند وجود دارد، پاسخ منفی است. معاهده و منشور هیچ ارتباط مستقیم و تأثیر مستقیم نسبت به یکدیگر ندارند؛ زیرا منشور توافق‌نامه رسمی الحاقی یا تفسیری طبق بخش چهارم (بندهای اول مواد ۴۰ و ۴۱) کنوانسیون ۱۹۶۹ وین نیست. توافق‌نامه‌های تفسیری رسمی به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر معاهدات شناخته شده و دارای قدرت الزامی هم‌چون معاهده هستند. درباره منشور ۲۰۱۵ چنین الزامی مشاهده نمی‌شود، بلکه به‌صراحت اعلان شده است که منشور اعلامیه‌ای دوستانه و غیرتکلیفی برای اعضای آن است. اجرای معاهده اصولاً ناشی از درک صحیح مجریان معاهده از مضمون آن است، ولی از آنجا که رویه یکسان و مشترک طرف‌های معاهده، گاه در جهت سازگار ساختن معاهده با واقعیات روزمره زیست بین‌المللی به‌وجود می‌آید، طرز عمل بعدی دولت‌های طرف معاهده را نمی‌توان همیشه تعیین‌کننده اراده زمان انعقاد دانست (فلسفی، ۱۳۸۳: ۴۵۸)؛ به‌ویژه در معاهده ۱۹۹۴ منشور انرژی که مواضع دولت‌ها در قبال آن معارض گردید. از سویی تعهدات این دو سند نسبت به دولت‌ها متفاوت است. معاهده سند لازم‌الاجرا بوده و منشور بین‌المللی صرفاً اعلامیه‌ای است که تعهداتی فراتر از حد یک بیانیه ندارد (Int charter, 2015: 2). منشور به لحاظ واژه‌شناسی اصول و موازینی است که چندین کشور خواهان رعایت آن هستند (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۲)، ولی قدرت الزام آن همچنان مبتنی بر خواست ارادی اطراف این توافق خواهد بود که درباره منشور بین‌المللی ۲۰۱۵ بایستی اذعان نمود که

ماهیت آن اعلامیه^۱ است که اعلامیه نیز جایگاه روشنی در حقوق بین‌الملل دارد و صرفاً عنوان منشور به خود گرفته است.

۲.۱. اهداف و ساختار منشور بین‌المللی انرژی ۲۰۱۵

منشور برای آماده شدن و رسیدن به وضعیت فعلی خود مراحل مختلفی را پشت سر گذاشت؛ در مرحله نخست دولت‌های اروپایی، منشور انرژی اروپایی را در سال ۱۹۹۱ به تصویب رساندند و بعد از آن معاهده منشور انرژی در سال ۱۹۹۴ تدوین، تصویب و در ۱۹۹۸ اجرایی شد که هر دو آن‌ها بیان‌کننده تلاش‌هایی برای پشتیبانی از تجارت انرژی در دوران بعد از جنگ سرد بود. دولت‌های جدید و نوظهور برزیل، هند، مکزیک و آفریقای جنوبی نیز در دور بعدی فراهمایی منشور انرژی شرکت کردند. شور و ارائه مشورت‌های هم‌افزایانه به دولت‌های نسبتاً متضاد امضاکننده منشور انرژی اروپا عاملی بود تا در نتیجه چنین مذاکراتی، اختلافات بین کشورهای مرکزی اوراسیا را در زمانی که قسمت تکمیلی معاهده منشور انرژی در سال ۱۹۹۴ مورد تصویب قرار گرفت، کاهش دهد. البته با وجود این همچنان فقدان حرکت پرشتاب بعدی در فرایند منشور انرژی تلاش‌های دیپلماتیک جدیدی را برای تکمیل فرایند قانون‌گذاری در حوزه انرژی می‌طلبید (Graaf, 2013: 136-138). لزوم ایجاد برخی اصلاحات در ساختار و شکل، نیازهای جدیدی برای دیپلماسی را بنیان نهاد. شماری از دولت‌های در حال ظهور به وسیله افزایش صادرات برای صنعت انرژی به کشورهای دیگر که به این صادرکنندگان جدید بیشتر وابسته شده بودند، قدرت گرفتند؛ برای نمونه، تحولاتی که در سیاست انرژی روسیه، به‌ویژه در مورد گاز طبیعی ایجاد شد، نگرانی‌هایی را در آن سوی اروپا برانگیخت؛ به طوری که اتحادیه اروپایی را از وابستگی نامتقارن اروپا به منابع گاز روسیه حساس کرده و بدین‌سان مفهوم امنیت انرژی در اروپا از زاویه دیگری مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس متقابلاً روسیه نیز ضمن نگرانی از احتمال از دست دادن جایگاه انحصاری خود در بازار گاز اروپا، توجه خود را به چگونگی ادامه مسیر گذشته در استفاده از انرژی به‌عنوان ابزاری سیاسی، معطوف کرد (راعی دهقی، ۱۳۸۶: ۱-۲). تلاش برای آزادی ترانزیت انرژی و امنیت پایدار آن، هدف مهم دیگری بود که منشور برای دستیابی به آن از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است. حمل‌ونقل سوخت از طریق کشتی در گلوگاه‌های دریایی با خطراتی روبه‌روست و از سوی دیگر نیز کشورهای صادرکننده نیازمند وجود مجاری تسهیل‌کننده برای صادرات خویش هستند. چنین عواملی تلاش برای آزادسازی

۱. در مقدمه منشور بین‌المللی انرژی سال ۲۰۱۵ از واژه «اعلامیه» استفاده شده است؛ برای مثال، در مقدمه منشور در بیان اهداف آمده است:

... to modernise the European Energy Charter as the basic political declaration of the Energy Charter Process.

ترانزیت را دوجندان می‌سازد. البته انتقال انرژی از طریق لوله هم مشکلات بی‌شماری دارد (پیرمادی، ۱۳۹۹: ۱۳-۹). در ادامه پیش‌بینی افزایش فزاینده برای تغییر ارتباط تولیدکنندگان با مشتریان، ارائه راهبرد برای محصولات انرژی قابل‌تحویل بین این دو گروه، موضوع قابل‌توجه دیگری است. روی هم‌رفته ساختار ارتباطات بین‌المللی چندقطبی شده بود و همچنین رقابت بین نهادها و سازمان‌ها آشکار گردید که مصادیق این مطلب را می‌توان در گفت‌وگوی انرژی اروپا با روسیه دانست (Jong, 2014: 18).

به‌هرحال، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، منشور بین‌المللی انرژی، دنباله معاهده منشور انرژی ۱۹۹۴ بود که در قالب اعلامیه‌ای سیاسی در سال ۲۰۱۵ پا به عرصه ظهور گذاشت.^۱ هدف از تنظیم و ارائه منشور عبارت بود از این که اعضای اجلاس منشور انرژی (امضاکنندگان و طرف‌های متعاقد پیمان منشور انرژی) امیدوار باشند که امضای منشور بین‌المللی انرژی بتواند طرف‌های غیرعضو را ترغیب به پیوستن به پیمان منشور انرژی کند.^۲ درعین‌حال، این یک اصل و مقرر است که امضای منشور بین‌المللی انرژی به هیچ‌وجه کشوری را ملزم به پیوستن به پیمان نمی‌کند. کشورهای ناظر در اجلاس منشور انرژی که اعضای منشور هستند، این فرصت را خواهند داشت که درباره معاهده، مزایا و تعهدات آن بررسی‌های بیشتری انجام دهند. در این صورت، با اعضای معاهده همکاری نزدیک خواهند داشت. این امر به آن‌ها امکان تصمیم‌گیری آگاهانه درباره مراحل بعدی را می‌دهد (Charter T.I, 2016). گفتنی است که یک کشور یا سازمان اقتصادی منطقه‌ای که مایل به پیوستن به پیمان منشور انرژی است، نخست باید امضاکننده منشور انرژی اروپا باشد و این مرحله نیز پس از عضویت کشورها یا سازمان‌ها در منشور به‌عنوان عضو ناظر تحقق می‌پذیرد. این بدان معناست که ممکن است آن‌ها بدون حق رأی در جلسات کنفرانس منشور انرژی شرکت کنند و ممکن است از آن‌ها برای شرکت در جلسات ارگان‌های فرعی دعوت شود. به‌عنوان قاعده‌ای کلی، ناظران به‌طور معمول به اسناد رسمی فراهمایی منشور انرژی و

۱. بهتر است اشاره شود جمهوری اسلامی ایران نیز از سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) که به‌صورت عضو ناظر مدعو که یک رده پایین‌تر از عضویت به‌صورت ناظر است به این پیمان، یعنی معاهده منشور انرژی ملحق شده بود (بهمنی، ۱۳۹۵: ۳۷۸-۸۰). در سال ۱۳۹۵ با حضور آقای چیت‌چیان، وزیر وقت نیرو در ژاپن، ضمن کنفرانسی که درباره موضوع منشور برپا شده بود، اسناد الحاق را امضا نموده و ایران به‌عنوان عضو ناظر دائمی منشور پذیرفته شد. هنوز این معاهده مورد تصویب قرار نگرفته است و مبنای قانونی برای اعضای ناظر پیوستن به اعلامیه منشور بین‌المللی انرژی است.

۲. به‌طور کلی روند عضویت در پیمان بدین‌صورت است که ابتدا کشورها باید اعلامیه ۱۹۹۱ را بپذیرند؛ سپس قوانین داخلی خود را با مفاد معاهده و پروتکل‌های انضمامی تطبیق نمایند. در مرحله بعدی کنفرانس درخواست انجام اقدامات اجرایی برای الحاق را درخواست خواهد کرد. به‌طور کلی هفت سطح نسبت به وضعیت عضویت در مجموعه منشور انرژی قابل‌شناسایی است:

O, O+, OC, OC+, OCT, OCT+, OCTA

به‌منظور اختصار در مطالب از توضیح درجات فوق خودداری می‌شود. برای مطالعه، ر.ک: وب‌سایت منشور یا غفاری (۱۳۹۳). بررسی آثار پیوستن ایران به پیمان منشور انرژی، اداره ارتباطات و روابط با مجامع انرژی، وزارت نفت.

نهادهای تابعه آن دسترسی دارند. ممکن است از آن‌ها دعوت شود که کارشناسان اعزامی را به دبیرخانه بفرستند. تمامی این موارد تشویقی، برای ترغیب عضویت کشورها به منشور و تحت تأثیر آن الحاق به معاهده منشور انرژی اعطاشده است. آن‌ها ممکن است از فعالیت‌های دبیرخانه، مانند مجمع منشور انرژی، برنامه‌های آموزشی-اجرایی، بررسی بهره‌وری انرژی یا از گزارش‌های مربوط به «اقلیم سرمایه‌گذاری و ساختار بازار»^۱ بهره‌مند شوند.

کنفرانس معاهده منشور انرژی به‌عنوان مرجعی تصمیم‌گیر در حوزه مسائل انرژی دارای چهار راهبرد است: الف) حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی با نگاه به منافع ملی؛ ب) فراهم کردن شرایط یکسان برای تجارت انرژی؛ ج) حل اختلافات بین سرمایه‌گذاران و کشورهای عضو منشور؛ د) بالابردن میزان بهره‌وری انرژی برای حفظ محیط‌زیست.^۲

۳.۱. برآیند روند عضویت در منشور بین‌المللی انرژی

در مجموع نود دولت و سازمان بین‌المللی تا سال ۱۴۰۰ به منشور انرژی بین‌المللی پیوسته‌اند که افزایش قابل‌توجهی نسبت به امضاکنندگان اصلی منشور انرژی اروپایی یا معاهده منشور انرژی است. هفتادوپنج دولت نیز معاهده «آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر»^۳ را در سال ۱۳۸۸ امضا کرده‌اند و امروز این معاهده، ۱۴۳ عضو دارد. براساس مقایسه از آگوست ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶، یازده دولت قصد دارند به‌زودی منشور انرژی بین‌المللی را امضا کنند که احتمالاً این تعداد افزایش می‌یابد.

بسیست‌وهفت کشور از اعضای اتحادیه اروپا، امضاکنندگان اصلی این منشورند. از جامعه اقتصادی اروپایی، نروژ و سوئیس؛ از جامعه انرژی اروپا پنج کشور آلبانی، مقدونیه از جمهوری یوگوسلاوی سابق، مولداوی، صربستان، اوکراین و همچنین گرجستان داوطلب برای عضویت در معاهده و ارمنستان و ترکیه به‌عنوان ناظر وارد شدند. دو سازمان اتحادیه اروپا، یورنوم^۴ و همچنین سه کشور اردن، مراکش و فلسطین از کشورهای امضاکننده منشور و جزء شرکای اتحادیه اروپا از طریق سیاست همسایگی اتحادیه اروپا هستند (Pami, 2015: 94).

1. Investment Climate and Market Structure (ICMS)

۲. کنفرانس چهار رکن دارد: ۱. اجلاس منشور انرژی: برگزاری ادواری طرف‌های متعاقد که هرکدام دارای یک نماینده هستند؛ ۲. دبیرخانه: متشکل از دبیرکل و کارمندان اداری است. دبیرکل توسط کنفرانس برای یک دوره پنج‌ساله انتخاب می‌شود؛ ۳. کمیته بودجه؛ ۴. کمیته مشاوره حقوقی.

3. International Renewable Energy Agency (IRENA)

۴. یورنوم (Euratom) سازمان انرژی اتمی اروپاست.

منشور ۲۰۱۵	معاهده ۱۹۹۴	منشور ۱۹۹۱	دول امضاکننده
۲۷ کشور و انگلیس	۲۷ کشور و انگلیس	۲۷ کشور و انگلیس	کشورهای عضو اتحادیه اروپا
✓	✓	✓	نروژ، سوئیس، ترکیه، اوکراین، ترکمنستان، افغانستان، ازبکستان، بلاروس، ژاپن و مغولستان
	✓	✓	روسیه، آذربایجان، ایسلند، استرالیا و لیختن اشتاین
✓		✓	مقدونیه، آلبانیا، مولداوی، صربستان، اردن، موریتانی، موروکو، فلسطین، بروندي، چاد، نیجر، پاکستان، آمریکا و یمن
		✓	بوسنی و هرزگوین، ارمنستان، جورجیا، مونتنگرو، سوریه، کانادا و اندونزی
امضاشده	✓	✓	قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، لبنان و رژیم اسرائیل
	امضاشده بدون تصویب و انصراف از اجرای موقت در ۲۰۰۹		روسیه
			جامعه آفریقای شرقی ^۱ ، جامعه اقتصادی کشورهای آفریقای مرکزی ^۲ ، جامعه اقتصادی کشورهای آفریقای غربی ^۳

جدول شماره ۱. وضعیت اعضای منشور انرژی اروپا، معاهده منشور انرژی، منشور بین‌المللی انرژی (وبسایت منشور انرژی - <https://www.energycharter.org/process/international-energy-charter-2015/overview/>؛ هم‌چنین ر.ک: Pami, 2015: 13).

1. East African Community (EAC)
2. Economic Community of Central African States (ECCAS)
3. Economic Community of West African States (ECOWAS)

گروه بعدی از امضاکنندگان کشورهای اوراسیا در منطقه اتحادیه جماهیر شوروی سابق اند که بیشتر این کشورها قبلاً هردو منشور انرژی اروپایی و معاهده منشور انرژی را امضا کرده بودند. در نهایت شماری از امضاکنندگان در مناطق آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین نیز تاریخی مشترک با منشور انرژی اروپایی دارند. در میان همه این موضوعات، بازگشت ایالات متحده به مکتب چندجانبه‌گرایی^۱ قابل توجه و پرمعناست. البته کشورهای مثل استرالیا، اندونزی یا کانادا، تمایلی برای افزایش تعهدات خویش ذیل معاهده ندارند؛ دلیل این امر در رفتار احتیاط‌آمیز یا شاید مقابله‌ای با برخی تولیدکنندگان انرژی است که تمایلی برای عضویت ندارند (جدول شماره ۱). شاید یکی از برجسته‌ترین داوطلبان کاملاً جدید برای گرایش به منشور انرژی چندجانبه حاکم بر اساس ظرفیت موجود، کشور چین باشد؛ چراکه چین بزرگ‌ترین مصرف‌کننده سوخت فسیلی و سایر انرژی‌ها بوده و می‌تواند تأثیرات مهمی داشته باشد (Sönnichsen, 2020). البته چین منشور را امضا کرده است. در میان کشورهای بزرگ تولیدکننده سوخت فسیلی ایران و نیجریه نیز منشور را پذیرفته اما هنوز به معاهده منشور انرژی نپیوسته‌اند. در میان کشورهای مصرف‌کننده قابل توجه، فیلیپین و کره جنوبی منشور را قبول کرده، اما امضا نکرده‌اند. از دیگر اعضای قابل ذکر، کشورهای گروه موسوم به جی ۲۰ است که اقتصادهای برتر جهانی هستند؛ کشورهای برجسته امضاکننده، مثل آمریکا، انگلیس، ایتالیا و ترکیه از اعضای این گروه‌اند (Charter T. I., 2016). از کشورهای نسبتاً متعادل اما با ویژگی‌های متضاد که از بهره‌برداری از منشور جامانده‌اند عبارت‌اند از: آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، هند، اندونزی، مکزیک، روسیه، عربستان و همه تولیدکنندگان سوخت فسیلی بزرگ که کشورهای عضو آ.سه. آن هستند و در تلاش‌اند بازارهای انرژی خود را یکپارچه کنند (Aalto, B 2014: 91-92). بنگرید به جداول ۱ و ۲.

ایران، کره جنوبی، بوتسوانا، بورکینافاسو، نیجریه، کمبادیا، فیلیپین	الحاق و هم‌اکنون ناظر دائمی
کلمبیا، تانزانیا، شیلی، چین، بنین، آنگولا، بنگلادش	عضویت در منشور

جدول شماره ۲. فهرست کشورهای ملحق شده یا در حال الحاق به منشور که پیش‌تر دو معاهده قبلی را امضا یا قبول نکرده‌اند (وبسایت منشور انرژی - <https://www.energycharter.org/process/international-energy-charter-2015/overview/>).

منشور بین‌المللی انرژی سندی است که گستره آن برخلاف معاهده به دولت‌های مرکزی اروپا، اوراسیا، ایالات متحده، چین و کشورهای منطقه‌ای در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین گسترش می‌یابد. در کنار این موارد، منشور به گروه‌های فعالی، هم‌چون شرکت‌های فعال در حوزه انرژی، سازمان‌های مالی

بین‌المللی یا سازمان‌های مردم‌نهاد^۱ که برای آن‌ها در اداره انرژی بین‌المللی وزن بیشتری متصور می‌شد، اشاره می‌کند (Goldthau, 2014: 135 & Bazilian, 2014: 114). این بدین معناست که منشور یک دیپلماسی سنتی و چهارچوب کلی سیاسی درباره موضوعات مختلف عمومی، کلی و اجرایی، بدون صدور هیچ الزامی ایجاد کرده است. به‌هرحال این‌گونه استنباط می‌شود که خط عضویت در منشور به‌صورت افقی است.

۲. ابعاد سه‌گانه سیاست انرژی در منشور بین‌المللی انرژی

۱.۲. مبنای شکل‌گیری

با بررسی کلی و فراگیر منشور، چهار بُعد از ابعاد آن قابل تمیز است: الف) توسعه پایدار^۲ یا پیشرفت منابع؛ ب) سازمان (شالوده)؛ ج) نرم‌افزاری هم‌چون فناوری، الگوها و بازار قیمت‌ها، اعتبارات، تجارت، نهادها؛ د) ابعاد بوم‌شناختی^۳ و آب‌وهوا (Aalto, A 2014:4 & Charter, 2015). البته باید به این نکته مهم اشاره کرد که شاید مهم‌ترین هدف در پس پرده این منشور کاملاً اروپایی را، در محاق سیاسی جست‌وجو کرد. با اندک توجهی به پیشینه شکل‌گیری منشور می‌توان به این نکته دست یافت که اصلی‌ترین منظور در تنظیم روند نظام انرژی جهانی پس از فروپاشی شوروی، ایجاد گریزگاه از بن‌بست سخت‌تأمین انرژی از سوی اروپای محتاج به سوخت‌های فسیلی به‌عنوان منابع تأمین انرژی بود که عمدتاً منابع اصلی انرژی در خارج از حوزه ژئوپلیتیکی^۴ و جغرافیایی سیطره غرب و به‌ویژه اروپای پریشان و تضعیف‌شده قرار داشت. به نظر جنکینز^۵ و به‌درستی: «اغراق نیست بگوییم که موفقیت کل سرمایه‌گذاری غرب در صنایع نفت و گاز در تأمین مسیرهای اقتصادی و مطمئن انتقال انرژی از نقطه تولید، به بازارهای اروپایی وابسته است» (Jenkins, 1996: 8). البته مسئله آزادی ترانزیت^۶، بحث تازه‌ای نبوده است. ردپای این مسئله را می‌توان از قرن هفدهم، تا کنوانسیون آزادی تجارت بارسلونا ۱۹۲۱، در کنوانسیون نیویورک ۱۹۶۵، موافقت‌نامه تعرفه و تجارت (گات) و تا همین معاهده منشور انرژی ۱۹۹۴ دنبال نمود.^۷

1. Non-Government Organizations (NGO)
2. sustainable development
3. Ecological
4. Geopolitical
5. Jenkins
6. Freedom of transit

۷. جدا از مسائل سیاسی، شماری از ملاحظات اقتصادی خاص بخش انرژی نیز باعث بروز مشکلات و دغدغه‌هایی در چهارچوب این صنعت شده است. انتقال انرژی، نفت و به‌ویژه گاز، مستلزم انجام سرمایه‌گذاری‌های سنگین است که به‌اندازه

۲.۲. رویکرد منبع محور منشور بین‌المللی انرژی

بر اساس بُعد منابع، سازمان‌ها و فناوری، منشور همه منابع اصلی انرژی، هم‌چون نفت، گاز طبیعی، انرژی هسته‌ای، زغال‌سنگ و منابع تجدیدپذیر (قسمت سوم منشور)، مانند الکتریسیته و مشتقات آن را دربرمی‌گیرد. منشور از مطلق انرژی و گاه نیز از هرگونه انرژی سخن به میان آورده است. باوجوداین در منشور هیچ‌ذکری از بخش‌های گوناگون منابع تجدیدپذیر یا اولویت‌دهی به هر منبعی از انرژی یا درجه‌بندی آن‌ها نشده است (قسمت اول منشور). در همین راستا منشور برای سامان‌دهی گستردگی این منابع اعلام می‌کند که فرایند رو به رشد درباره ساختار موجود نهادهای بین‌المللی حاکم بر حوزه انرژی بین‌المللی در جریان است تا این نقش‌های مختلف را در این حوزه به صورت متمرکز جذب کند که به نظر می‌رسد هدف آرمانی است. به‌رحال درباره این ساختارهای موجود بین‌المللی مرتبط با حوزه‌های مختلف انرژی چندین نهاد تخصصی رسمی و هم‌چنین قواعدی که در کنار هم، ساختار چندپاره و چندتکّه موجود را شرح می‌دهند وجود دارد.^۱

منشور هم‌چنین در ادامه به نوسازی و عقلایی کردن زیربنای انرژی کشورهای امضاکننده آن برای قاعده‌مند ساختن مناسب تولیدات، تبدیل مواد، انتقال، پخش و استفاده از انرژی اشاره می‌کند (قسمت دوم منشور مربوط به اجرای آن) و هم‌چنین این منشور شفافیت و جلوگیری از پخش خطرات فناوری‌ها و انرژی را به صورت مناسب بیان می‌کند. این سند به‌طور قاطع و شفاف به نگرانی درحال رشد کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا و چین به‌طور خاص درباره تنوع منابع انرژی و تدارک دیدن مسیرهای انتقال انرژی اشاره می‌نماید. این مطلب در یکی از پیوست‌های مربوط به کنفرانس منشور ذکر شده است (Secretarian, 2016: 22) و بند ششم از پیوست مزبور). اما موضوع «تدارک مسیر انتقال» برای دستیابی و نیز تسهیل در دستیابی همه به مجاری انتقال انرژی ممکن است با نظر برخی کشورهای

سرمایه‌گذاری موردنیاز برای تولید و حتی گاهی بیش از آن لازم است. براین اساس است که به نظر می‌رسد با تحمل هزینه‌های زیاد و دانش فنی موردنیاز پیچیده، لازم است تا چهارچوب قانونی آسان و پایدار تدوین شود.

۱. ازجمله این نهادهای تخصصی سازمان اوپک (Organization of the Petroleum Exporting Countries OPEC) درباره موضوع نفت است. نهاد دیگر آژانس بین‌المللی انرژی (International Energy Agency) است که قواعد اصلی آژانس در مورد مواد اولیه نفت است. اگرچه این سازمان، تحقیقاتی را درباره همه منابع اصلی انرژی انجام می‌دهد. آژانس بین‌المللی انرژی که در سال ۱۹۷۴ برای تضمین امنیت ذخایر نفت ایجاد شد، طی سال‌ها تکامل یافته است؛ درحالی‌که امنیت انرژی مأموریت اصلی باقی‌مانده است، آژانس بین‌المللی انرژی امروز در مرکز بحث جهانی انرژی قرار دارد و بر موضوعات مختلف از امنیت برق گرفته تا سرمایه‌گذاری، تغییرات آب‌وهوا و آلودگی هوا، دسترسی و بهره‌وری انرژی و بسیاری موارد دیگر تمرکز دارد (ر.ک):

International Renewable Energy Agency (IRENA) است که بر روی مواد و منابع تجدیدشدنی فعالیت می‌کند و سرانجام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (International Atomic Energy Agency IAEA) است که بر روی موضوع انرژی هسته‌ای و موارد دیگر فعالیت می‌کند.

اصلی صادرکننده سوخت‌های فسیلی، از جمله الجزایر، آذربایجان یا روسیه، روبه‌رو شوند. این کشورها شالوده و زیربنای لجستیکی صادرات خود را از طریق خط لوله صادرات متنوع کرده‌اند، برای این که بتوانند از امضای معاهده سرباز زنده (Pami, 2015: 95). در واقع دست به نوعی گروکشی می‌یازند.

۳.۲. افق تجاری - مالی منشور

در سخن از الگوهای تجارت، مسائل مالی - اعتباری، قیمت‌ها و بازاریابی، می‌توان نظرگاه برآمده از منشور در ادامه اشتغالات اقتصادی گذشته منشور انرژی اروپایی و معاهده منشور انرژی را بسیار مفید و قابل استفاده دانست. منشور سیاسی اروپایی انرژی، تقریباً در حد یک اعلامیه سیاسی بود؛ در حالی که منشور ۱۹۹۴ در قالب یک کنوانسیون، قواعد لازم‌الاجرای را درباره سرمایه‌گذاری، تجارت و ترانزیت کالا و همچنین موضوعات و مسائل مرتبط، مانند سازوکار حل و فصل اختلافات معرفی می‌کند (Talus, 2013: 232-236). و حال منشور جدید بین‌المللی انرژی، هریک از کشورهای امضاکننده این منشور را متعهد کرده است تا از اعمال قواعد تبعیض‌آمیز بزرگ درباره مالکیت منابع، اقدامات و عملکرد شرکت‌ها و وضع مالیات نسبت به سرمایه‌گذاران اجتناب ورزند. چنین محدودیت‌هایی - برای مثال - در خط لوله انحصاری صادرات گاز شرکت گازپروم روسیه^۱ و درون دریای آرکتیک^۲ روسیه که برای فعالان دارای حق امتیاز و شرکت‌های خارجی، ممنوعیت تملک منابع جدید اعمال شد. این محدودیت‌ها بسیار قابل توجه بودند. اما از سوی دیگر زمانی که روسیه از معاهده منشور انرژی در سال ۱۳۸۸ به‌طور نهایی کناره‌گیری نمود، پرسش‌های اساسی را در فرایند و نقش آتی منشور ایجاد کرد.

معاهده منشور انرژی به‌منظور تسهیل فعالیت‌های اجباری بازار، ارتقای رقابت^۳، برداشتن موانع تجارت در تولیدات انرژی، لوازم و خدمات، به‌خوبی سرمایه‌گذاری‌های هم‌سو با قوانین سازمان تجارت جهانی^۴ و نظام تکثرزدایی، قدم برداشته است. این معاهده به نقش وضعیت‌های مختلف تجاری برای ترانزیت کالا اشاره می‌کند و بر توسعه شبکه راه‌های ارتباطی نفت و گاز و تسهیل عملی تجارت انرژی تأکید دارد

1. Gazprom //www.Gazprom.com//.

2. The Arctic

3. Competition

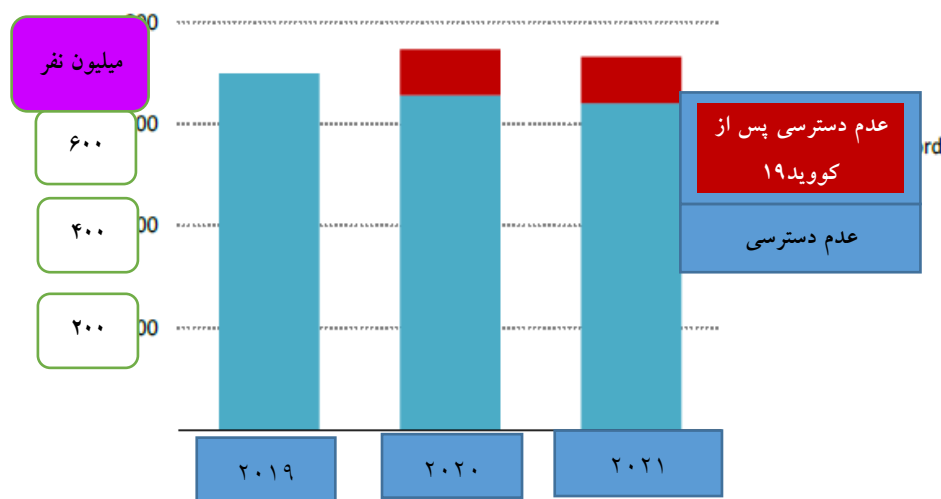
دریای منجمد شمالی

ماده ششم معاهده منشور انرژی به‌صورت مشروح به مسئله رقابت پرداخته است.

۴. یکی از تعهدات کشورهای خواهان الحاق به منشور پیش از پیوستن به آن، تطبیق مقررات داخلی خود بر اساس معاهده منشور انرژی با مقررات مشخص‌شده سازمان تجارت جهانی در پیوست‌های معاهده منشور است؛ از جمله پیوست Annex TRM اشاره به حاکمیت، هماهنگی و تطابق دولت‌های عضو با مقررات حل و فصل اختلافات تریمز و Annex W، Annex BR، Annex BRQ، همه این اسناد در وبسایت منشور انرژی قابل مشاهده است (برای مطالعه بیشتر رک: Danae Azaria, Energy Transit under the Energy Charter Treaty and the General Agreement on Tariffs and Trade, Journal of Energy & Natural Resources Law, volume 29, issue 4, 2009).

(پیرمرادی، ۱۳۹۹: ۱۳۴، ۱۵۲، ۱۶۲-۱۸۲ و نیز قسمت دوم منشور). این قوانین و مقررات برای منافع اصلی بازار بزرگ کشورهای امضاکننده اروپایی و ایالات متحده سودمند هستند. درعین‌حال این مقررات به دولت‌های سرمایه‌داری این امتیاز را می‌دهد که مکاتب موردنظر خود، هم‌چون توسعه‌گرایی^۱، بازاریابی اجتماع‌گرایانه^۲ و سیاست‌های انرژی خاص خود دربارهٔ چندین کشور بزرگ تولیدکننده و مصرف‌کننده سوخت فسیلی در اوراسیا را گسترش داده و درعین‌حال فرایند رقابتی رو به رشدی را پدید آورد (Aalto, 2014: 1)؛ برای مثال، کشورهای جنوب شرقی آسیا، مانند ژاپن و چین، می‌کوشند تا رقابت بیشتری را در مناطق انرژی خود معرفی کنند (Aalto, B 2014: 99-100). در کشورهای آفریقای غربی و آمریکای لاتین مقررات منشور در دسترس مردم پایتخت این کشورها قرار گرفته است تا موانع مختلف حذف شود و از همکاری با یکدیگر برای ایجاد یک چهارچوب حقوقی دربارهٔ سرمایه‌گذاری‌های خارجی که برای دستیابی به انرژی ملاک هستند، محافظت کرده، منابع جدید انرژی را توسعه داده و رشد اقتصادی را ارتقا ببخشند (Nochevnik, 2015). متأسفانه انتظارات برای سرمایه‌گذاری‌های خصوصی برای مالکیت و دسترسی به انرژی و رفع فقر بیش‌ازحد بوده است. برای تأمین نیازهای امنیت انرژی و اهداف سیاسی موجود، به ۱٫۶ تریلیون دلار آمریکا تا سال ۲۰۳۵ و برای مبارزه با فقر و کمبودهای انرژی، هزینهٔ اضافی نزدیک به یک تریلیون دلار نیاز خواهد بود (Goldthau, 2014: 135). هم‌اکنون در آفریقای جنوب صحرا^۳، شصت‌وهشت درصد جمعیت و در آسیا هفده درصد به الکتریسیته دسترسی ندارند (Bazilian, 2014: 218). بنگرید به شکل ۱.

-
1. Develop mentalist
 2. Market socialist
 3. Sub-Saharan Africa



شکل ۱. میزان عدم دسترسی قاره‌های آفریقا و کشورهای درحال توسعه آسیا به خدمات نوین در نتیجه نبود

برق^۱ (IEA (2021), World Energy Outlook 2021, IEA, Paris.p176)

(<https://www.iea.org/reports/world-energy-outlook-2021>)

۳. رویه کنونی درباره منشور

تحلیل اساسی معاهده منشور انرژی بدین صورت است: برای تأمین انرژی با روند مصرفی رو به رشد، سرمایه‌گذاری لازم و ضروری است. و ایجاد فضایی پایدار، مطمئن و شفاف لازمه سرمایه‌گذاری مطمئن و سودده است. حال حمایت از شرکت‌های سرمایه‌گذار در مقابل مثلاً سلب مالکیت‌ها یا رفتارهای تبعیض‌آمیز باید جزء اهداف باشد. پس در این صورت است که هدف بعدی معاهده منشور که همانا آزادی و ثبات ترانزیت است، تحقق می‌پذیرد. البته همواره مسئله بدین‌سادگی نیست. روسیه در جریان داوری شرکت یوکاس ضربه مهم و هشدارآمیزی از سوی معاهده انرژی دریافت کرد^۳ (معینی و بهمنی، ۱۳۹۶، ۷۰-۷۵)؛

۱. گفتنی است که قبل از همه‌گیری کووید-۱۹، هفتصد میلیون نفر نمی‌توانستند از امکانات گسترده خدمات برق استفاده کنند یا هزینه آن را بپردازند. کووید-۱۹ بر این تعداد نود میلیون نفر افزود (IEA (2021), World Energy Outlook 2021, IEA, Paris:170).

۲. برای دیدن اطلاعات مسووتر ر.ک: <https://www.eia.gov/todayinenergy/>

۳. روسیه، معاهده منشور انرژی را در دسامبر ۱۹۹۴ امضا کرد و برای تصویب به مجلس برد، ولی مجلس روسیه از تصویب معاهده سرباز زد. پس از اتفاقات پرونده داوری شرکت یوکاس، روسیه در ۲۰ اوت ۲۰۰۹ تمایل خود را به عدم الحاق به معاهده به‌طور رسمی اعلام نموده و مطابق بند سه ماده ۵۵، پایان اجرای موقت معاهده به تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۰۹ برای روسیه اجرا گردید (معینی و بهمنی، ۱۳۹۶، ۷۰-۹۰).

چراکه معاهده منشور انرژی در ماده ۲۶ به سرمایه‌گذار اجازه می‌دهد که نسبت به نقض پشتیبانی‌ها و تسهیلاتی که برای وی در معاهده مقرر شده است، علیه دولت میزبان به شرط این‌که به طریق دوستانه حل‌وفصل نشود، اقامه دعوا کند (بهمنی، ۱۳۹۵: ۳۹۷). اجرای موقت پیمان مذکور موجبات چنین داوری‌ای بود که حتی روسیه را پس از اعلام به عدم الحاق به معاهده و شروع به انجام اعمال رهایی از تعهدات معاهده انرژی، برای بیست سال دیگر پس از خروج از تعهد به اجرای موقت معاهده، به اجرای بخشی از تعهدات محکوم کرد (UNCITRAL, 2009: 247). در این باره یکی از نقاط مورد خدشه و محل چالش، ماده ۴۵ معاهده یادشده است.^۱ بدین توضیح که کشورهای امضاکننده معاهده انرژی، حتی قبل از تصویب داخلی، ملزم به اجرای مفاد معاهده هستند، مگر در مواردی که ماده ۴۵ مشخص کرده است. حال بسیاری از پرونده‌های اختلافی راجع به همین ماده با موضوعیت «محدودیت‌های اجرای موقت معاهده منشور انرژی» انجام شده است، هم‌چون پرونده یوکاس یا یونیس کارداسوپولوس (معینی، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۷) و یا بیست‌وسه کشور دیگری که با دعاوی داوری روبه‌رو شده‌اند. با توجه به هدف ایجاد ثبات و تأمین امنیت عرضه انرژی بر اساس معاهده انرژی، کشورهایی مثل ایران یا عربستان، باید در معاهده حضور داشته باشند تا بتوانند این هدف معاهده را محقق سازند. سخت‌گیری و یک‌سویه بودن معاهده یکی از دلایل عدم اقبال و رغبت کشورهای مهمی مانند ایران یا عربستان برای پیوستن به معاهده است. و همین مسئله یکی از علل تضعیف معاهده یادشده است. چنین کشورهایی به دریای آزاد راه دارند، از منابع بسیار عظیم فسیلی بهره‌مند و گول‌های نفتی و انرژی بزرگ مایل به سرمایه‌گذاری در آن‌ها هستند و در نتیجه، نیازی در پیوستن و رفتن زیر بار تعهدات سنگین معاهده نمی‌بینند. در چنین موقعیتی است که منشور بین‌المللی انرژی کارساز شده است. کشورهایی مثل ایران که هنوز اراده‌ای جدی در پیوستن یا نپیوستن در کنار موافقان (فرد، ۱۳۹۶: ۱۰؛ صحرانورد، ۱۳۸۹: ۲۷۱) و مخالفان (منصور، ۱۳۹۵: ۱۷۰) الحاق قطعی به معاهده وجود ندارد که البته زمینه‌های آن نیز همچنان فراهم نیست، می‌توانند با احتیاط عضو ناظر شده و به ارزیابی از معاهده بپردازند. بر این اساس است که حتی ایران، عربستان، قطر و یا الجزایر با اینکه تمایلی برای عضویت در معاهده ندارند، در گفت‌وگوهای مقدماتی و مذاکرات منشور حضور داشته‌اند (منصور، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

۱. «هریک از امضاکنندگان می‌پذیرد که این معاهده را به صورت موقت پیش از لازم‌الاجرای شدن مطابق ماده ۴۴ اجرا نماید تا حدی که چنین اجرای موقتی با قانون اساسی، قوانین و مقررات آن امضاکننده مغایرت نداشته باشد».

نتیجه

در سال ۱۳۷۳ روسیه به‌طور موقت به منشور انرژی پیوست، ولی در سال ۱۳۸۸ رسماً عدم الحاق قطعی خود را اعلان کرد. علت عدم الحاق، وارد شدن خسارت‌های هنگفتی بود که در نتیجه پرونده شرکت یوکاس بر دولت روسیه وارد آمد. وجود مقررات تحمیلی علیه کشورهای تولیدکننده انرژی بر اساس معاهده ۱۳۷۳، عامل این اتفاق بود. برای جلوگیری از شدت گرفتن این روند، منشور بین‌المللی انرژی جدید توانست به‌عنوان رویه تشویقی در ترغیب دولت‌ها برای پیوستن به معاهده، ظهور یابد. ارائه این منشور به جامعه جهانی پس از پرونده یوکاس علیه روسیه، اقدام بسیار زیرکانه‌ای بود که کشورهای محتاط را از شوک درآورده و به معاهده منشور انرژی ۱۳۷۳ جانی دوباره بخشید. کشورهای بسیاری مثل ایران که مایل به عضویت در معاهده نبودند در ذیل چهارچوب همکاری مبتنی بر منشور، این فرصت را یافتند تا در فضایی متوازن، بی‌آنکه تعهداتی در برابر معاهده منشور انرژی داشته باشند، بتوانند به دنبال ایجاد یا یافتن فصول مشترکی برای همکاری‌های نافع با اعضای پیمان باشند. به نظر می‌رسد با عنایت به این که معاهده انرژی مسئولیت‌پذیری تامی را به نفع شرکت‌های تجاری برعهده دولت‌های انرژی - فرست برقرار می‌کند، بهترین سیاست، عدم الحاق به معاهده انرژی است؛ اما رویکرد قابل قبول ادامه همکاری ذیل سند منشور انرژی (۲۰۱۵) است؛ چراکه منشور بین‌المللی انرژی صرفاً بیانیه‌ای است که می‌تواند گفت‌وگوی میان کشورهای مصرف‌کننده انرژی و انرژی‌فرست را که غالباً جزء قدرت‌های جهانی نیستند، تسهیل کرده و قدرت چانه‌زنی در تعیین مقررات جهانی را برای اداره جریان انرژی افزایش دهد. مهم‌ترین هدف‌گذاری دولت‌های دارای انرژی، به‌ویژه سوخت فسیلی، تلاش برای تعدیل مقررات معاهده (۱۹۹۴) به چنین کشورهایی است که ایران نیز جزء این دولت‌ها قرار می‌گیرد. موضع مناسب برای جمهوری اسلامی ایران ورود هرچه سریع‌تر به منشور بین‌المللی انرژی ۲۰۱۵ بوده و می‌بایست نسبت به معاهده از طریق عضویت در منشور بین‌المللی ۲۰۱۵ راهکار تعامل در پیش گرفته شود. به‌هرحال همین رویکرد می‌تواند راه الحاق کشورها به معاهده را هموار کرده و عاملی برای حرکت به‌سوی یکپارچگی اقدامات در حوزه انرژی در سطح جهانی شود. درواقع منشور بین‌المللی انرژی در قواره یک بیانیه غیرالزام‌آور ولی بسیار مهم به‌خوبی توانسته است نقش خود را به‌عنوان محرک یا طرحی نو و همه‌جانبه نسبت به تغییر مواضع کشورهای هدف، یعنی تولیدکنندگان انرژی، درباره ایجاد شرایطی مساعد برای نزدیکی کشورهای عضو معاهده و دیگر کشورهای غیر عضو و محتاط برای گردهمایی درباره معاهده ۱۹۹۴ انرژی را ایفا نماید.

منابع

الف فارسی

۱. امین، جواد (۱۳۹۵). «منشور بین‌المللی انرژی: فرصتی برای دیپلماسی انرژی ایران». *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۱، ص ۱۷۲-۱۴۷. در: http://fp.ipisjournals.ir/article_23865.html (۱ آبان ۱۳۹۹)
۲. بهمنی، حمیده؛ نادر مردانی (۱۳۹۵). «جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی پس از تحریم در حوزه انرژی به‌وسیله عضویت در معاهده منشور انرژی». *مطالعات حقوق انرژی*، شماره ۲ (۲)، ص ۴۰۴-۳۷۱. DOI:10.22059/jrels.2018.204134.39
۳. پیرمردادی، علی (۱۳۹۹). «الزامات سازمان تجارت جهانی و معاهده منشور انرژی در خصوص آزادسازی ترانزیت نفت و گاز». *رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*.
۴. تقدیر، محمدکاظم؛ مسعود اخوان‌فرد (۱۳۸۹). «مسئولیت بین‌المللی دولت بر اساس معاهده منشور انرژی». *مجله حقوقی بین‌المللی، مرکز امور بین‌المللی ریاست جمهوری*، شماره ۲۷، ص ۱۹-۱۵. <http://ensani.ir/fa/article/221420/> (۲۰ آذر ۱۴۰۰)
۵. توماس، والد (۱۳۸۱). «منشور انرژی: گسترش آزادسازی در صنایع انرژی». *ترجمه‌ای از انتشارات اقتصاد انرژی*، ص ۳۱-۲۵. در: <http://ensani.ir/fa/article/73887/> (۵ آذر ۱۳۹۹)
۶. راعی دهقی، مرتضی (۱۳۸۶). «روسیه و اتحادیه اروپا: استراتژی‌های متقابل انرژی». *انتشارات مطالعات مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۰، ص ۲۲۰-۱۸۹. در: <http://ensani.ir/fa/article/211125/> (۲۰ آذر ۱۴۰۰)
۷. سواری، حسن؛ محمدصالح عطار (۱۳۹۶). «تبارشناسی تعهدات بین‌المللی انرژی در پرتو مورد پژوهش تعهدات حقوق سرمایه‌گذاری انرژی در معاهده منشور انرژی». *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، شماره ۵۶، ص ۱۳۳-۱۰۹. DOI: 10.22054/QJPL.2017.10412.1247
۸. صحرانورد، اسدالله (۱۳۸۹). «آثار حقوقی الحاق ایران به پیمان منشور انرژی در حوزه نفت (ECT) و گاز». *رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*.
۹. صرافی، علی (۱۳۸۰). «نقد و بررسی معاهده منشور انرژی». *اقتصاد انرژی*، شماره ۳۱، ص ۳۶-۹. در: <http://ensani.ir/fa/article/73825/> (۲۰ آذر ۱۴۰۰)
۱۰. غفاری، سید محمدرضا (۱۳۹۳). *بررسی آثار پیوستن ایران به پیمان منشور انرژی*. اداره ارتباطات و روابط با مجامع انرژی، وزارت نفت.
۱۱. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل معاهدات*. تهران، فرهنگ نشر نو.
۱۲. کاسسه، آنتونیو (۱۳۸۲). *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران، جنگل.
۱۳. کریمی‌فرد، زهرا (۱۳۹۶). «معاهده منشور انرژی و عضویت ایران». *دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی*. در: <https://sid.ir/paper/888274/fa> (۲ آبان ۱۳۹۹)

۱۴. گروه پژوهشی اقتصاد سیاسی و حقوقی انرژی (۱۳۸۴). متن معاهده منشور انرژی و ضمایم آن. مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی (قابل دسترسی در کتابخانه اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی (فاقد وبسایت) (۵-۷) آبان (۱۳۹۹).
۱۵. معینی، مینا؛ محمدعلی بهمنی (۱۳۹۶). «محدودیت‌های اجرای موقت معاهده منشور انرژی در پرتو رأی داور یوکاس علیه روسیه». *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۷، ص ۹۰-۶۱.
DOI:10.22066/CILAMAG.2017.27964
۱۶. موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۹). *حقوق معاهدات بین‌المللی*. تهران، میزان.
۱۷. موسوی، سید امیرحسام‌الدین (۱۳۹۸). «تعهدات دولت میزبان بر اساس پیمان منشور انرژی (ECT) و نحوه بازتاب آن در مبانی حکمی آراء داوران». *مطالعات حقوق انرژی*، شماره ۲ (۵)، ص ۴۹۳-۴۷۷.
DOI:10.22059/jrels.2020.295044.334

(ب) خارجی

18. Aalto, Pami (A 2014). "Energy market integration and regional institutions in East Asia". *Energy Policy*, 74, pp91-100. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2014.08.021> (Accessed 1-6 nov 2020).
19. Aalto, Pami (B 2014). "Institutions in the European and Asian energy markets: amethodological" overview. *Energy Policy*, 74, pp4-15. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2014.08.022> (Accessed 1-6 nov 2020).
20. Aalto, Pami (2015). "The new International Energy Charter: Instrumental or incremental progress in governance?". *Energy Research & Social Science*, 11, pp92-96. www.elsevier.com/locate/erss (Accessed 28-30 oct 2020).
21. Aalto, Pami; corporate (2014). "Russia's energy relations inthe East and West: towards a social structurationist approach to energypolicy formation". *J. Int. Relations Dev*, 17(1), pp1-29. <http://dx.doi.org/10.1057/jird.2012.29> (Accessed 28-30 oct 2020).
22. Aalto, Pami; Kim, Talus (2014). "Energy markets in Europe and Asia: too many or too fewinstitutions?". *Energy Policy*, 74, pp1-3 (DOI:10.1016/j.enpol.2014.09.009).
23. Ann Florini; Benjamin K. Sovacool (2009). "Who governs energy? The challenges facing globalenergy governance". *Energy Policy*, 37, pp5239-5248. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2009.07.039> (Accessed 1-6 nov 2020).
24. Azaria, Danae (2009). "Energy Transit under the Energy Charter Treaty and the General Agreement on Tariffs and Trade". *Journal of Energy & Natural Resources Law*, volume 29, issue4. HYPERLINK. "<https://www.tandfonline.com/author/Azaria%2C+Danae> (Accessed 28-30 oct 2020).
25. Belyi, Andrei (2014). "International energy governance: weaknesses of multilateralism". *Int.Stud. Perspect.*, 15, pp313-328.

- <https://academic.oup.com/isp/article-abstract/15/3/313/1922611> (Accessed 6 oct 2020).
26. Bonafé, Ernesto; Andris, Piebalgs (2017). "The New International Energy Charter: Sustainable Energy Transition, Investment Dispute Resolution and Market Regulation". *Policy Brief*, (33).<https://fsr.eui.eu/wp-content/uploads/QM-AX-17-033-EN-N.pdf> (Accessed 1-6 oct 2020).
27. Burger, Lucy; C. Weinmann; Ronald. J (2013). *The Decentralised Energy Revolution: Business Strategies for a New Paradigm* (1 ed.). Basingstoke: Palgrave Macmillan UK. doi:10.1057/9781137270702: <https://www.amazon.com/Decentralized-Energy-Revolution-Business-Strategies/dp/1137270691>.
28. Charter, t. C (20 May 2015). *International Energy Charter*. Hague. Retrieved from <http://international.energycharter.org/fileadmin/DocumentsMedia/Legal/IECEN.pdf>. (Accessed 16 nov 2020).
29. Charter, T. I (2016, June 23). *The International Energy Charter*. Retrieved from The International Energy Charter. <https://www.energycharter.org/process/international-energy-charter-2015/overview/>.
30. Dano, Jenkins (1996). "Amoil and Gas Industry Perspective". in walde, T(ed) *The Energy Charter Treaty: An East- West Gateway For Investment and trade*. London, Hague, Boston: Kluwer Law International (Accessed 16 nov 2020).
31. De Jong, Sijbren; Woutevs, Jan (2014). "Institutional actors in international energy law. In E. E. K.Talus". *Research Handbook on International Energy Law*, pp18–43.https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2304327 (Accessed 28-30 oct 2020).
32. Falkner, Robert (2014). "Global environmental politics and energy: mapping the researchagenda". *Energy Res*, pp188–197. <https://doi.org/10.1016/j.erss.2014.03.008> (Accessed 28-30 oct 2020).
33. Goldthau, Andreas (2014). "Rethinking the governance of energy infrastructure: scale, decentralisation and polycentrism". *Energy Res. Soc. Sci*, pp134–140. <https://doi.org/10.1016/j.erss.2014.02.009> (Accessed 28-30 oct 2020).
34. Hulley Enterprises Limited v. The Russian Federation, PCA Case No. AA 226 (UNCITRAL November 30, 2009). <https://pca-cpa.org/en/cases/60/> (Accessed 16 nov 2020).
35. HYPERLINK "<https://www.oecd.org/investment/internationalinvestmentagreements/multilateralagreementoninvestment.htm>"<https://www.oecd.org/investment/internationalinvestmentagreements/multilateralagreementoninvestment.htm>.
36. HYPERLINK "<http://www.energycharter.org/>". <http://www.energycharter.org/>. <https://www.iea.org/about/history>.
37. IEA (2021). *World Energy Outlook 2021*. IEA, Paris. p176. <https://www.iea.org/reports/world-energy-outlook-2021> (Accessed 16 nov 2020).

38. Moe, Espen (2014). “Vested interests energy policy and renewables in Japan, China, Norway and Denmark. In P. M. E. Moe”. *The Political Economy of Renewable Energy and Energy Security*, 1 ed., pp276–317. Palgrave Macmillan UK.
https://www.researchgate.net/publication/304875515_Vested_Interests_Energy_Policy_and_Renewables_in_Japan_China_Norway_and_Denmark (Accessed 7 nov 2020).
39. Nochevnik, Daria (2015, June 5). *International Energy Charter: the emergence of the new global energy governance architecture*, Eur. Retrieved from elektormagazine: <https://www.elektormagazine.com/news/international-energy-charter-the-emergence-of-the-new-global-energy-governance-architecture> (Accessed 28-30 oct 2020).
40. Secretariat of Energy Charter (2016). *THE INTERNATIONAL ENERGY CHARTER CONSOLIDATED ENERGY CHARTER TREATY with Related Documents*. Hague: EnergyCharter.org. www.energycharter.org (Accessed 28-30 oct 2020).
41. Sönnichsen, N (2020). *Leading countries in primary energy consumption worldwide in 2019*. <https://www.statista.com/statistics/263455/primary-energy-consumption-of-selected-countries/> (Accessed 28-30 oct 2020).
42. Talus, Kim (2013). *EU Energy Law and Policy*. Oxford, Oxford University Press (DOI:9780199686391).
43. Thijs Van de Graaf (UGent) (2014). “Energy governance and poverty”. *Energy Reserch & Social Science*, 1, pp217–225. <https://biblio.ugent.be/publication/4370842> (Accessed 11 nov 2020).
44. Van de Graaf, Thijs (2013). “The Politics and Institutions of Global Energy Governance”. *Palgrave, Basingstoke*, 57(8), pp129–145. <https://www.nature.com/articles/palcomms201547> (Accessed 28-30 oct 2020).